



Studies on Israel - US

Vol 25. No 3. Autumn 2024

Received date: 2024.08.31

Acceptance date: 2024.10.10



مرکز پژوهش‌های علمی و
مطالعات استراتژیک خاورمیانه

Home page: www.cmess.sinaweb.net

Israel's Economic Diplomacy in China (2014-2023)

Parham Pourramezan¹



Abstract

Israel, as a technologically advanced political structure, and China, as one of the world's largest economies, can achieve great success by synergizing in various economic fields such as information technology, agriculture, and renewable energy. However, political tensions, conflicting interests of third countries, and internal challenges of each political structure can prevent the consolidation of these relations. Now, considering the above, the main question in this research is what are the characteristics of Israel's economic diplomacy strategy towards China and what goals does it explain? This research aims to identify and analyze the main trends in Israel's economic diplomacy in China, including trade agreements, joint venture projects, and technological cooperation. It is worth noting that this study assumes that Israel's economic diplomacy in China (2014-2023) has had a significant impact on strengthening relations between the two countries and growing mutual investments, and this impact is more evident in the fields of technology, agriculture, and cybersecurity than in other areas. The research method is also qualitative and with a descriptive and analytical approach; finally, by analyzing qualitative data, it is estimated that the increase in imports and exports between the two political structures has led to the creation of an increasingly suitable platform for bilateral cooperation, but it also faces challenges, including security and political concerns, as well as China's competition with other global powers and Israel's position as a political structure in this global context, which requires attention and prudence in diplomatic policymaking and political economy.

Keywords: Economic Diplomacy, Interdependence, Globalization, Israel, China.

1 - Ph.D. in Political Science, Researcher of Conflict and Cooperation in the Middle East, Middle East Center for Scientific Research and Strategic Studies, Tehran, Iran.



مرکز پژوهش‌های علمی و
مطالعات استراتژیک خاورمیانه

فصلنامه مطالعات منطقه‌ای؛ اسرائیل‌شناسی - آمریکاشناسی

دوره ۲۵، شماره ۳، پاییز ۱۴۰۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۰۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۱۸

Home page: www.cmess.sinaweb.net

نوع مقاله: علمی

دیپلماسی اقتصادی اسرائیل در چین (از ۲۰۱۴ تا ۲۰۲۳)

پرهام پوررمضان^۱



چکیده

اسرائیل به‌عنوان یک ساختار سیاسی با تکنولوژی پیشرفته و چین به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین اقتصادهای دنیا، می‌توانند با هم‌افزایی در زمینه‌های مختلف اقتصادی مانند فناوری اطلاعات، کشاورزی و انرژی‌های تجدیدپذیر به موفقیت‌های بزرگی دست یابند. با این حال، تنش‌های سیاسی، منافع متضاد کشورهای ثالث و چالش‌های داخلی هر یک از ساختارهای سیاسی می‌تواند مانع از تحکیم این روابط شود. حال با توجه به موارد مذکور، پرسش اصلی در این پژوهش آن است که راهبرد دیپلماسی اقتصادی اسرائیل در برابر چین دارای چه ویژگی‌هایی و تبیین‌کننده چه اهدافی می‌باشد؟ این پژوهش در راستای هدف شناسایی و تجزیه و تحلیل روندهای اصلی در دیپلماسی اقتصادی اسرائیل در چین، شامل توافقات تجاری، پروژه‌های سرمایه‌گذاری مشترک و همکاری‌های فناورانه می‌کوشد. شایان ذکر است که در این پژوهش فرض بر این است که دیپلماسی اقتصادی اسرائیل در چین (۲۰۱۴-۲۰۲۳) تأثیر معناداری بر تقویت روابط دو کشور و رشد سرمایه‌گذاری‌های متقابل داشته و این تأثیر در حوزه‌های فناوری، کشاورزی و امنیت سایبری مشهودتر از سایر حوزه‌ها می‌باشد. روش پژوهش نیز، کیفی و با رویکرد توصیف و تحلیل است؛ در نهایت با تحلیل داده‌های کیفی این گونه برآورد شده که افزایش واردات و صادرات میان دو ساختار سیاسی، به ایجاد یک بستر فزاینده مناسب برای همکاری‌های دو جانبه منجر شده، اما با چالش‌هایی نیز مواجه است، از جمله نگرانی‌های امنیتی و سیاسی، همچنین، رقابت چین با سایر قدرت‌های جهانی و موقعیت اسرائیل به‌عنوان یک ساختار سیاسی در این بستر جهانی، نیازمند توجه و تدبیر در سیاست‌گذاری‌های دیپلماتیک و اقتصاد سیاسی می‌باشد.

واژگان کلیدی: دیپلماسی اقتصادی، وابستگی متقابل، جهانی شدن، اسرائیل، چین.

۱ - دکترای علوم سیاسی، پژوهشگر گروه کشمکش و همکاری در خاورمیانه، مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه، تهران، ایران.

مقدمه

در دهه‌های اخیر، مفهوم جهانی شدن به یکی از محوری‌ترین موضوعات تحقیقاتی در حوزه علوم اجتماعی به‌ویژه اقتصاد سیاسی تبدیل شده است. این پدیده نه تنها نحوه تعامل دولت‌ها و ملت‌ها را تغییر داده بلکه بر الگوهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جوامع نیز تأثیرگذار بوده است. جهانی شدن به معنای گسترش روابط اقتصادی، سیاسی و فرهنگی بین کشورها و مناطق مختلف جهان است و به تبادل کالا، خدمات، سرمایه و اطلاعات در سطح جهانی اشاره دارد. این فرایند، که با پیشرفت‌های فناوری اطلاعات، ارتباطات و حمل و نقل شتاب گرفته، فرصت‌ها و چالش‌های جدیدی را برای دولت‌ها، جوامع و رقابت‌های اقتصادی به وجود آورده است. از سوی دیگر، اقتصاد سیاسی به بررسی چگونگی تعامل اقتصاد و سیاست می‌پردازد و تلاشی برای فهم اینکه چگونه منافع اقتصادی بر تصمیم‌گیری‌های سیاسی تأثیر می‌گذارد و بالعکس، انجام می‌دهد.

در این راستا، جهانی شدن نه تنها بر ساختارهای اقتصادی دولت‌ها تأثیر گذاشته، بلکه نهادهای بین‌المللی و قوانین بین‌المللی نیز به شکلی متقابل تحت تأثیر این پدیده قرار گرفته‌اند. بنابراین، تحلیل اقتصاد سیاسی در عصر جهانی شدن نیازمند بررسی عوامل تاریخی، فرهنگی و جغرافیایی است که شکل‌دهنده به ساختارهای اقتصادی و سیاسی در سطوح ملی و بین‌المللی هستند. دیپلماسی اقتصادی به‌عنوان یکی از ارکان کلیدی روابط بین‌المللی و نشأت گرفته شده از امر اقتصاد سیاسی، نقش مهمی در شکل‌دهی به همکاری‌ها و تعاملات کشورها دارد. در این راستا، اسرائیل به‌ویژه در دهه‌های اخیر تلاش کرده که روابط خود را با چین، یکی از بزرگ‌ترین اقتصادهای جهانی، گسترش دهد. از سال ۲۰۱۴ تا ۲۰۲۳، این روابط تحت تأثیر عوامل متعددی قرار گرفت که از جمله می‌توان به تحولات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در هر دو ساختار سیاسی اشاره کرد. اسرائیل با توجه به پیشرفت‌های تکنولوژیک و نوآوری‌های خود به‌عنوان یکی از بازیگران اصلی در عرصه فناوری اطلاعات و حوزه‌های مرتبط به آن، به دنبال بهره‌برداری از بازار بزرگ چین است. این در حالی است که چین نیز به‌عنوان یک قدرت نوظهور اقتصادی، به افزایش وابستگی خود به فناوری‌های نوین و تجربیات مربوط به نوآوری، نیازمند است.

اقتصاد اسرائیل نیز به‌عنوان یکی از محورهای مهم و پیچیده تحلیل‌های سیاسی و اجتماعی در حوزه علوم سیاسی مورد توجه ویژه قرار دارد. این ساختار سیاسی، با دارا بودن ویژگی‌های منحصر به فرد جغرافیایی و اجتماعی، موفق به تحولاتی در حوزه اقتصادی شده که می‌تواند به‌عنوان الگو برای دیگر

کشورها مورد بررسی قرار گیرند. از زمان تأسیس اسرائیل در سال ۱۹۴۸، این ساختار با چالش‌های متعددی از جمله جنگ‌ها، بحران‌ها و تنش‌های سیاسی روبه‌رو بوده، اما توانسته با اتخاذ سیاست‌های اقتصادی نوآورانه و جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی، رشد قابل توجهی را تجربه کند. به علاوه، اقتصاد اسرائیل به خوبی نشان‌دهنده تأثیرات سیاست‌های داخلی و خارجی بر روند توسعه اقتصادی این رژیم است. در این راستا، حضور قوی صنایع فناوری اطلاعات و ارتباطات، کشاورزی پیشرفته و همچنین بخش خدمات، جزء ویژگی‌های بارز اقتصاد اسرائیل به حساب می‌آید. تحلیل نحوه تعامل این جوانب اقتصادی با مؤلفه‌های سیاسی و دیپلماتیک، می‌تواند به درک مهمی از این امر منجر شود. دیپلماسی اقتصادی اسرائیل در چین، نه تنها به تقویت روابط دو جانبه کمک کرده، بلکه تأثیرات فراوانی بر تحولات منطقه‌ای و جهانی نیز بر جای گذاشته است. در این پژوهش، به بررسی جوانب مختلف دیپلماسی اقتصادی اسرائیل در چین از سال ۲۰۱۴ تا ۲۰۲۳ پرداخته خواهد شد. این مطالعه سعی خواهد کرد تا به تحلیل هویت و ویژگی‌های این دیپلماسی، پروژه‌های مشترک، چالش‌ها و فرصت‌ها، و همچنین تأثیرات این روابط بر توازن قدرت در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی بپردازد. با توجه به اهمیت این موضوع، تلاش خواهیم کرد تا افق‌های جدیدی برای فهم نوع تعاملات و رقابت‌های موجود در عرصه دیپلماسی اقتصادی کشورها ارائه دهیم.

ادبیات موضوع

در زمینه روابط میان چین و اسرائیل، مطالعات پیشینی این پژوهش را به سه گروه می‌توان دسته‌بندی کرد: نخست آن پژوهش‌هایی که مرتبط با مسائل داخلی و خارجی ساختار سیاسی اسرائیل هستند؛ به طوری که موسوی و همکاران (۱۴۰۳) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل رفتار انتخاباتی رأی‌دهندگان در رژیم صهیونیستی» این ایده را دنبال می‌کنند که در شکل رفتار انتخاباتی جامعه اسرائیل مسائل گوناگونی همچون قومیت و مذهب، اقتصاد و رویکردهای فرهنگی حائز اهمیت است اما آن چیزی که در برهه‌های زمانی مختلف می‌تواند یک بازیگر موثر باشد، مسئله فلسطین است. در نگاهی دیگر احمدی (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «اسرائیل و کشورهای پیرامونی؛ نفوذ امنیتی با پوشش اقتصادی» بر این امر استوار است که اسرائیل در راستای منزوی ساختن جمهوری اسلامی ایران از طریق همسایگان ایران در شمال و جنوب این کشور طرح‌ریزی‌های فراوانی را در دست سیاست‌گذاری دارد به طوری که از جنوب سعی دارد با پیمان آبراهام و از شمال با ارتباط‌گیری با کشورهای حوزه قفقاز ایران را از دیپلماسی همسایگی و یک سیاست خارجی مطلوب در این امر محروم کند و در نهایت شیردل (۱۴۰۲) در

مقاله‌ای با عنوان «نقش و وزن پسا صهیونیسم در جامعه اسرائیل امروز» این ایده را دنبال می‌کند که امر پسا صهیونیسم در جامعه اسرائیل از یک امر سیاسی به یک امر اندیشه‌ای تبدیل گردیده است، همین امر سبب شده تا به دلیل نگاه امنیت باور در جامعه صهیونیستی امکان بروز و ظهور و یا نمود عملی پیدا نکند.

دوم آن دسته از پژوهش‌هایی که مرتبط با مسائل داخلی و خارجی کشور چین هستند؛ به طوری که سینایی و همکاران (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «اقتدارگرایی یا دموکراسی؛ ساختار دولت و توسعه اقتصادی در چین و هند» بر این امر استوار هستند که در مدل موفق توسعه‌گرایی چینی دو مفهوم حکمرانی استقلال‌گرایانه و جامعه مدنی نسبتاً ضعیف از اهمیت والایی برخوردار هستند که توانسته‌اند به‌عنوان دو بازیگر عقلانی در این جامعه کنش کنند. در نگاهی دیگر قربانی (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «استراتژی امنیت انرژی معاصر چین در غرب آسیا» این ایده را دنبال می‌کند که چین از حضور در منطقه غرب آسیا اهداف سیاسی، فرهنگی و اقتصادی را دنبال می‌کند ولی آن چیزی که سبب می‌شود تا چین به‌عنوان یک بازیگر ژئواکونومیک در عصر جهان شدن تلقی شود، منابع انرژی این منطقه است که سبب شده تا این کشور با دولت‌های این منطقه سعی در کنشگری داشته باشد. در نهایت چگنی‌زاده و همکاران (۱۴۰۲) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل برداشت‌های چینی از نیت و سیاست‌های آمریکا» بر این امر استوار هستند که آن چیزی که رابطه میان پکن و واشینگتن را می‌تواند به یک جنگ سرد خاموش تبدیل کند، امر سوءظن هست و این به آن معنا است که سازمان‌های بین‌المللی یا روش‌ها و هنجارهای مسلط بر جهان که در راستای منافع غرب فعالیت می‌کنند، بر امنیت و منافع ملی چین تاثیر بگذارند، از این رو در ادراک رهبران چین نسبت به غرب یک امر واکنش‌گرایانه مبتنی بر سوءظن است. سوم آن پژوهش‌هایی که مرتبط با مسائل مابین هر دو ساختار سیاسی هستند؛ به طوری که بزرگمهری و همکاران (۱۴۰۲) در مقاله‌ای با عنوان «روابط چین و اسرائیل در سه دهه اخیر (۱۹۹۰-۲۰۲۰) حوزه‌های همگرایی و واگرایی» بر این امر استوار هستند که از آنجایی که اقتصاد در قالب رهیافت وابستگی متقابل اقتصادی در روابط این دو ساختار سیاسی کنشگر فزاینده‌ای است، به نظر نمی‌رسد هر دو طرف تمایل به از دست دادن این همکاری داشته باشند؛ همین امر سبب شده تا چین در بحران آفرینی‌های اسرائیل به کنشگری خاموش تبدیل شود. در نگاهی دیگر رستمی و همکاران (۱۴۰۱) در مقاله‌ای با عنوان «پیامدهای امنیتی مناسبات چین و اسرائیل برای آمریکا» این ایده را دنبال می‌کنند که در این سه ضلعی یعنی چین، اسرائیل و ایالات متحده آمریکا، چین به هیچ وجه به دنبال اینکه یک

بازیگر تاثیرگذار در منطقه غرب همانند ایالات متحده باشد، نیست اما در نگاه مقابل و در رقابت جنگ سردی چین و آمریکا، روابط این کشور با متحدین ایالات متحده در منطقه خاورمیانه سبب می‌شود تا شاهد کنشگری ایالات متحده آمریکا باشیم؛ از این رو روابط چین و اسرائیل در کلان روند بازیگری ایالات متحده می‌تواند تبیین و تحلیل شود. در نهایت شریعتی‌نیا و همکاران (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «تعاملات نظامی رژیم صهیونیستی با روسیه، هند و چین» بر این امر استوار هستند که اسرائیل نظم نوین بین‌المللی را به خوبی درک کرده، از این رو در سه ضلعی قدرت محور با عنوان‌های چین و روسیه و هند در صدد است تا بتواند خود را از یک بازیگر منزوی شده منطقه‌ای به یک بازیگر پویا فرا منطقه‌ای تبدیل کند، از این رو همکاری‌های رو به رشد این ساختار سیاسی با این کشورها در این امر تبیین می‌گردد.

در همه پژوهش‌هایی که به‌عنوان پیشینه در مقاله حاضر درج شده، می‌توان به طور نمایانی رویکرد تئوریک و برداشت‌هایی بر مبنای سال‌های پیشین را مشاهده کرد. از این رو، وجه تمایز این مقاله با دیگر آثار پژوهشی را می‌توان در ارجاع‌دهی به روز مطالب و تبیین واقعیت‌های نوین در روابط دو جانبه هند و امارات متحده عربی دانست. در مقام بررسی می‌توان گفت که نکته دارای اهمیت دیگر نیز این است که در این پژوهش کوشش شده تا در منظری هم‌راستا با پژوهش‌های بالا گام برداشته شود و با یک خوانش دقیق در چارچوب نظریه وابستگی اقتصادی متقابل، روابط اقتصادی میان این دو کشور ارزیابی شود.

چارچوب نظری

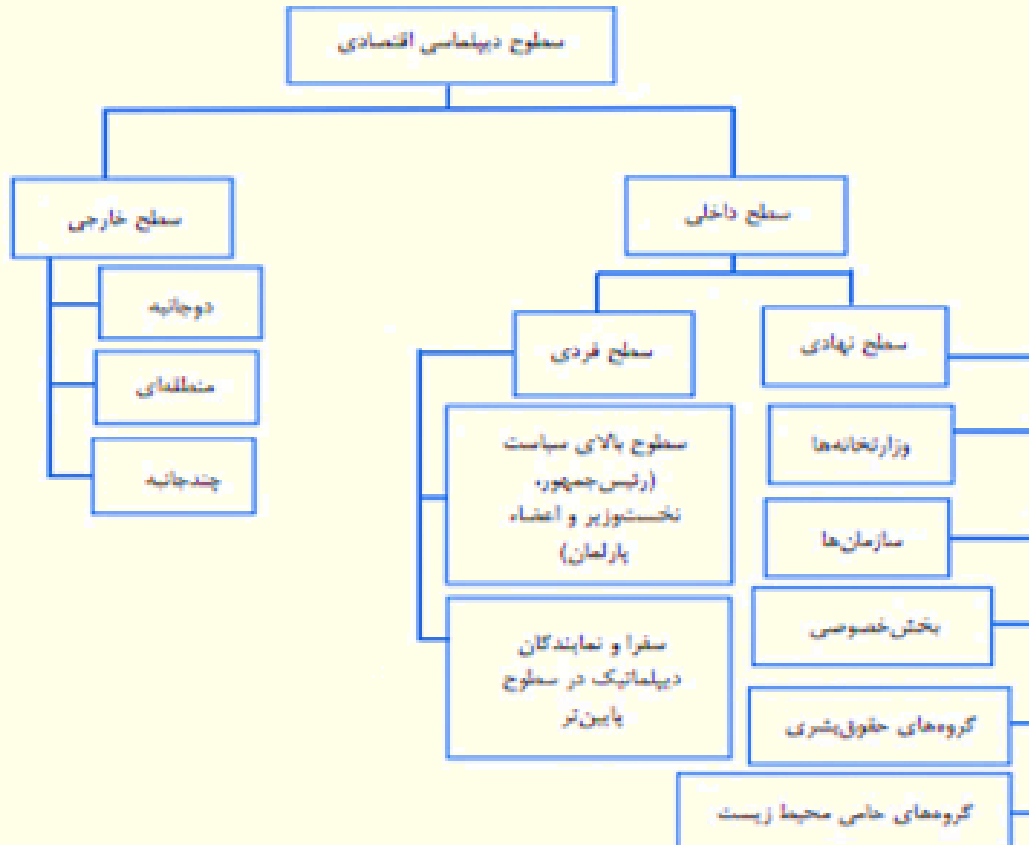
۱- مفاهیم نظری

دیپلماسی اقتصادی

درباره دیپلماسی اقتصادی دیدگاه‌های گوناگونی وجود دارد؛ برخی بر این باور هستند که به مجموعه‌ای از ساز و کارها، مهارت‌ها و شیوه‌های در پیش گرفته شده توسط افراد، سازمان‌ها یا گروه‌های دولتی یا غیر دولتی، با هدف دستیابی به اهداف اقتصادی برای یک کشور یا گروهی از کشورها، بر اساس ملاحظات سیاسی، یا دستیابی به اهداف سیاسی مبتنی بر ملاحظات اقتصادی، دیپلماسی اقتصادی می‌گویند؛ برخی دیگر دیپلماسی اقتصادی را اعمال قدرت عمومی و سیاست‌هایی با هدف دستیابی به

اهداف تجاری و مالی و تضمین پیشرفت اقتصادی دولت از راه تحقق منافع نهادها، گروه‌های حرفه‌ای و شهروندان کشورها می‌دانند (بسعود، ۲۰۲۲: ۶۵۱).

نمودار شماره ۱: سطوح دیپلماسی اقتصادی



(پوررمضان، ۱۴۰۱)

۲- چارچوب نظری

نظریه وابستگی متقابل^۱

در دوران جنگ سرد و از اوایل دهه ۱۹۵۰ در عرصه بین‌الملل رخدادهای مهمی صورت گرفت که می‌توان آنها را در نخستین مورد، برپایی راه‌های ارتباطی نوین در کنار دیپلماسی میان کشورها و در مورد بعدی، کاهش قدرت انحصاری دولت دانست (سیفی و محمدنیا، ۱۴۰۱: ۲۰۸). نظریه وابستگی متقابل نشأت گرفته از یکی از سنت‌های فکری مهم علم روابط بین‌الملل یعنی لیبرالیسم اقتصادی است که در چارچوب اقتصاد سیاسی بین‌الملل پرورش یافته است. میان این نظریه و نظریه واقع‌گرایی تفاوت‌های فراوانی هست که از مهم‌ترین آنها می‌توان به نقش دولت اشاره کرد؛ به طوری که واقع‌گرایان بر این باور هستند که سطح تحلیل در عرصه بازیگری علم روابط بین‌الملل از دولت آغاز می‌شود، اما

1 - Interdependence theory

طرفداران وابستگی متقابل معتقد هستند که امروزه با وجود شرکت‌های چند ملیتی، اساساً مفهوم دولت به سرزمین محدود نمی‌شود و رهیافتی فرا سرزمینی است (زیبایی، ۱۳۹۹: ۴۴). طرفداران وابستگی متقابل این ایده را دنبال می‌کنند که همان‌طور که امنیت در بعد نظامی در جهان کنونی از اهمیت برخوردار است، نمی‌توان از دیگر جنبه‌های امنیت از جمله اقتصاد غافل شد و در نگاهی کلان، بر این باور هستند که منافع ملی با اقتصاد درهم تنیده شده‌اند (دهقانی فیروزآبادی و همکاران، ۱۳۸۴: ۷۵). از این رو، تکثرگرایی در این رویکرد نسبت به روابط بین‌الملل از اهمیت فراوانی برخوردار است. با توجه به این امر، نظریه‌پردازان گوناگونی همچون روبرت کوهن^۱، جوزف نای^۲، ریچارد کوپر^۳، جیمز روزنا^۴ و ریچارد روزکرانس^۵ در این باره دست به نظریه‌پردازی زده‌اند.

جوزف نای بر این باور است که سیاست بین‌الملل و روابط قدرت بر اساس مفهوم صفحه شطرنج، سه بعدی است و در آن سه لایه قدرت وجود دارد. یکی از این لایه‌ها، وابستگی متقابل است که اشاره به این ایده دارد که کشورها به دلایل اقتصادی، سیاسی و اجتماعی به طور فزاینده‌ای به یکدیگر وابسته می‌شوند. او استدلال می‌کند که وابستگی متقابل می‌تواند منبع قدرت باشد، زیرا کشورهایی که بیشتر به هم متصل هستند، اهرم بیشتری در امور بین‌المللی دارند. با این همه، او همچنین اشاره می‌کند که وابستگی متقابل آسیب‌پذیری‌ها و وابستگی‌هایی را پدید می‌آورد که می‌تواند توسط کشورهای دیگر مورد سوءاستفاده قرار گیرد (Barbosa, 2016: 294). گفتنی است که در شکل‌گیری چارچوب فکری آنها، نظریات کهن‌تری همچون کارکردگرایی و نوکارکردگرایی نیز نقش داشته‌اند. این نظریه در دوگانه قدرت نظامی و اقتصادی، قدرت اقتصادی را در اولویت می‌داند (قوام و اعلائی، ۱۳۹۰: ۱۳). در نگاهی دیگر، نظریه وابستگی متقابل، رویکردی در روابط بین‌الملل است که بر وابستگی متقابل دولت‌ها و نیاز به همکاری برای دستیابی به اهداف مشترک تأکید دارد. این نظریه نشان می‌دهد که دولت‌ها نهادهایی منزوی نیستند، بلکه به روش‌های گوناگون مانند تجارت، امنیت و مسائل زیست محیطی به یکدیگر متصل و وابسته هستند (Kamynin, 2020: 2). وابستگی متقابل یک پدیده چند بعدی است که شامل روابط اقتصادی، فرهنگی و نهادی میان دولت‌ها می‌شود (Blanton, 2008: 766).

-
- 1 - Keohane
 - 2 - Nye
 - 3 - Cooper
 - 4 - Rosenau
 - 5 - Rosecrance

حال با توجه به مطالبی که در سطور پیشین گفته شد، می‌توان چنین برداشت کرد که برای بررسی روابط اقتصادی دو جانبه میان هند و امارات متحده عربی یا در کلان‌نگرش دیپلماسی اقتصادی هند نسبت به امارات متحده عربی، این نظریه از جامعیت و قوام برای تبیین روابط اقتصادی میان این دو کشور برخوردار است.

نگاهی به اقتصاد سیاسی اسرائیل

اقتصاد سیاسی اسرائیل به‌عنوان یک موضوع قابل توجه، درک روابط پیچیده‌ای که بین شرایط اقتصادی، سیاست‌های دولتی و تأثیرات اجتماعی در این ساختار سیاسی ایجاد می‌شود، ضروری است. اسرائیل به دلیل موقعیت جغرافیایی خاص، تاریخچه اجتماعی و اقتصادی خاص خود و تنش‌های دائمی با همسایگان، دارای ویژگی‌هایی است که آن را از سایر ساختارهای سیاسی متمایز می‌کند. نخست، اقتصاد اسرائیل از زمان تأسیس آن در سال ۱۹۴۸ تحت تأثیر فاکتورهای گوناگونی قرار گرفته است. در ابتدا، این ساختار سیاسی با بحران‌های اقتصادی و کمبود منابع طبیعی مواجه بود و به سرعت به سمت توسعه صنعتی پیش رفت. سیاست‌های اقتصادی بی‌سابقه‌ای نظیر سرمایه‌گذاری در فناوری و نوآوری، باعث رشد سریع بخش‌های مختلف اقتصاد شد (Ben-Shahar, 2018).

دوم، یکی از عوامل تعیین‌کننده در اقتصاد اسرائیل، سرمایه‌گذاری در بخش فناوری اطلاعات و نوآوری است. اسرائیل به دلیل حجم بالای استارت‌آپ‌ها و شرکت‌های فناوری، به‌عنوان «ملت استارت‌آپ‌ها» شناخته می‌شود. در حقیقت، اسرائیل بالاترین تعداد استارت‌آپ‌ها به ازای هر نفر در جهان را دارد و این امر به رشد اقتصادی و ایجاد مشاغل جدید کمک کرده است (Levin, 2020).

سوم، با وجود موفقیت‌ها، اقتصاد اسرائیل با چالش‌های خاصی مواجه است. تنش‌های سیاسی با دیگر کشورهای خاورمیانه، نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی و همچنین مسئله سکونتگاه‌های یهودی در سرزمین‌های اشغالی، همگی از عواملی هستند که بر سیاست‌های اقتصادی تأثیر می‌گذارند (Saban, 2021). چهارم، رابطه اسرائیل با ایالات متحده و کشورهای اروپایی نقش بسزایی در اقتصاد این کشور دارد. حمایت‌های مالی و نظامی این کشورها به اسرائیل کمک کرده تا پروژه‌های اقتصادی و فناوری خود را توسعه دهد. علاوه بر این، توافقات تجاری با دیگر کشورها و سازمان‌ها نیز به رشد اقتصادی اسرائیل کمک کرده است (Cohen, 2019).

نگاهی به ساختار سیاست خارجی چین

پدیده‌ای که امروزه به‌عنوان «سیاست خارجی چین» شناخته می‌شود، نتیجه‌ای از تاریخ، اقتصاد، فرهنگ و ساختار سیاسی داخلی این کشور است. درک سیاست خارجی چین نیازمند توجه به چهار محور اصلی است: فلسفه سیاسی، استراتژی اقتصادی، روابط بین‌المللی و نهادهای تصمیم‌سازی. نخست، فلسفه سیاسی چین به شدت تحت تأثیر ذخایر تاریخی و فرهنگی این کشور قرار دارد. کنفوسیوس‌گری، تائوئیسم و میراث تاریخی چین به شکل‌گیری هویت ملی و سیاست خارجی آن کمک کرده‌اند. به عبارتی، اصول کنفوسیوسی که بر پایه هارمونی و توازن تأسیس شده، همچنان در سیاست خارجی این کشور اعمال می‌شود (Zheng, 2019). دوم، چین به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین اقتصادهای جهان، سیاست خارجی خود را بر مبنای منافع اقتصادی شکل می‌دهد. طرح «یک کمربند، یک جاده» که در سال ۲۰۱۳ راه‌اندازی شد، مثالی از تلاش چین برای افزایش نفوذ اقتصادی و سیاسی خود در سطح جهانی است. این طرح شامل پروژه‌های زیرساختی بزرگ در کشورهای آسیایی، اروپایی و آفریقایی است و به طور مستقیم به افزایش تجارت و توسعه اقتصادی چین کمک می‌کند (Bajpae, 2021).

سوم، چین در سیاست خارجی خود نه تنها بر مبنای منافع ملی بلکه بر اساس روابط بین‌المللی و کنش‌های جهانی عمل می‌کند. با ظهور چین به‌عنوان یک قدرت جهانی، روابط این کشور با ایالات متحده و کشورهای اروپایی، همچنان در کانون توجه قرار دارد. تغییرات در این روابط به‌ویژه طی سال‌های اخیر به دلیل چالش‌های تجارت و پدیده‌های جهانی مانند تغییرات اقلیمی و امنیت سایبری قابل مشاهده است (Swaine, 2020). چهارم، نهادهای سیاسی چین، مانند حزب کمونیست چین، نقش حیاتی در تعیین سیاست خارجی دارند. تصمیم‌سازی در این نهادها عمدتاً متمرکز و دولتی است و به همین دلیل، سیاست خارجی چین دستخوش تغییرات سریع نمی‌شود. این نهادها با اتخاذ تصمیمات استراتژیک در زمینه‌هایی چون دفاع ملی، امنیت و روابط بین‌الملل به ارائه الگوهای برای پیشبرد سیاست خارجی چین می‌پردازند (Shambaugh, 2013).

پیشینه روابط اسرائیل و چین

روابط چین و اسرائیل به‌عنوان یکی از روابط پیچیده در سیاست بین‌الملل، روندی از تحولات تاریخی، سیاسی و اقتصادی را شامل می‌شود. این روابط به‌ویژه از اواخر قرن بیستم به بعد با تحولات قابل توجهی همراه بوده است. در سال ۱۹۴۹، با اعلام تأسیس جمهوری خلق چین به رهبری مائو، اسرائیل

تازه تأسیس در حال شکل‌گیری بود. اما روابط رسمی بین دو ساختار سیاسی به دلایل مختلف (از جمله موضع‌گیری چین در مورد اشغال فلسطین و حمایت از جنبش‌های آزادی‌خواه) به تأخیر افتاد. در این دوره، چین به‌عنوان یک کشور تازه تأسیس در صحنه جهانی، بیشتر به سمت ائتلاف‌های ایدئولوژیک با کشورهایی مانند اتحاد جماهیر شوروی و کشورهای عربی متمایل بود اما دهه ۱۹۷۰ نقطه عطفی در روابط چین و اسرائیل محسوب می‌شود چرا که در سال ۱۹۷۱، حضور چین در سازمان ملل روند فزاینده‌تری پیدا کرد و به تدریج نسبت به کشورهای غربی، به‌خصوص ایالات متحده، به طور بیشتری در راستای سیاست خارجی اسرائیل قرار گرفت. در سال ۱۹۹۲، روابط دیپلماتیک رسمی بین چین و اسرائیل برقرار شد، که این امر نتیجه تلاش‌های دیپلماتیک دو جانبه و تغییرات جهانی بود. پس از برقراری روابط رسمی، همکاری‌های اقتصادی و تکنولوژیک بین دو کشور به سرعت گسترش یافت. چین به‌عنوان یک بازار بزرگ و در حال توسعه، توجه اسرائیل را به خود جلب کرد و اسرائیل نیز توانست فناوری‌های پیشرفته خود را به چین منتقل کند. این همکاری‌ها در زمینه‌های کشاورزی، آب، دفاع و فناوری‌های اطلاعاتی قابل توجه بودند (Rassler, 2020). به طوری که در سال‌های اخیر، به‌ویژه با افزایش تنش‌ها در خاورمیانه و تغییر سیاست‌های آمریکا در قبال چین و اسرائیل، روابط دو جانبه با چالش‌هایی مواجه شده است. نقدها نسبت به نقش چین در پروژه‌های زیرساختی در اسرائیل و نگرانی‌ها درباره امنیت ملی، از مسائلی هستند که روابط دو کشور را تحت تأثیر قرار داده‌اند (Zacco, 2019). به علاوه، نگرانی‌های اسرائیل نسبت به نفوذ چین در کشورهای عربی و تأثیر آن بر سیاست‌های منطقه‌ای، از جمله چالش‌های جدی است که در دکترین سیاست خارجی این ساختار سیاسی خارجی مطرح است. روابط چین و اسرائیل با توجه به تحولات جهانی و منطقه‌ای در حال تغییر و تحول است. این روابط نه تنها به‌عنوان یک محور اقتصادی و سیاسی مهم در آسیا و خاورمیانه بلکه به‌عنوان عنصری کلیدی در درک پویایی‌های بین‌المللی نیز مورد توجه قرار دارد.

تحلیل رویکرد چین به اسرائیل در بزنگاه‌ها؛ از سکوت تا واکنش

۱- مسئله فلسطین در دوران پسا ۷ اکتبر

به نظر می‌رسد چین از زمان تأسیس خود به‌عنوان یک کشور مستقل، همواره از حقوق فلسطینی‌ها حمایت کرده و خواهان تشکیل دو کشور به‌عنوان راه‌حلی برای منازعه اسرائیل و فلسطین بوده است. این رویکرد در طول سال‌ها به‌ویژه در مجامع بین‌المللی مانند سازمان ملل و کنفرانس‌های مرتبط با

حقوق بین‌الملل، نمایان بوده است. حملات و تنش‌های جدید در نوار غزه و مناطق فلسطینی ممکن است به چالش‌هایی برای چین تبدیل شود، از این رو با بررسی روند این امر نمایان است که چین در این شرایط بر ضرورت گفتگو و مصالحه تأکید کند و از طرفی با توجه به روابط خود با اسرائیل، تلاش کند تا تعادل را در سیاست خارجی خود حفظ کند. در نگاهی دیگر با توجه به رقابت‌های ژئوپلیتیکی در خاورمیانه، چین ممکن است از این بحران به‌عنوان فرصتی برای تقویت نفوذ خود در بین کشورهای عربی استفاده کند. به‌عنوان مثال، چین با پیشنهاد کمک‌های اقتصادی یا بشردوستانه به فلسطینی‌ها و همکاری‌های امنیتی با کشورهای عربی، موقعیت خود را تقویت می‌کند. همچنین چین به‌عنوان یک قدرت اقتصادی بزرگ در جهان، در این زمان تلاش می‌کند تا با ارائه پیشنهادات اقتصادی برای بازسازی و توسعه مناطق آسیب دیده فلسطینی، نشان دهد که به صلح و ثبات در این منطقه متعهد است، که این امر شامل سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها و پروژه‌های توسعه‌ای است.

۲- تنش آفرینی‌های اسرائیل برای جمهوری اسلامی ایران

چین نگران بی‌ثباتی‌های ناشی از تنش‌ها در خاورمیانه است. هر نوع درگیری میان اسرائیل و ایران می‌تواند منجر به نوسانات اقتصادی و امنیتی در منطقه شود که به نوبه خود بر منافع چین تأثیرگذار است. لذا، چین تمایل دارد تا تنش‌ها را کاهش دهد و به دنبال راه‌حل‌های مسالمت‌آمیز برای مشکلات موجود باشد. از سوی دیگر، چین نگران نفوذ اسرائیل در منطقه و تحولات امنیتی است که ممکن است به حضور نیروهای آمریکایی منجر شود. این وضعیت می‌تواند به چالش‌هایی برای چین در خصوص تأمین انرژی و ثبات اقتصادی این کشور منجر شود. رویکرد چین به تنش‌های اسرائیل و ایران نشان‌دهنده تلاش این کشور برای حفظ منافع اقتصادی و سیاسی خود در منطقه خاورمیانه است. چین به دنبال ایجاد ثبات و امنیت در این منطقه است و در عین حال سعی دارد از روابطش با ایران محافظت کند. در نهایت، تنش‌های اسرائیل و ایران می‌تواند تأثیرات عمیقی بر استراتژی‌های چین داشته باشد و بر تعادل قدرت در منطقه تأثیرگذار باشد.

ابعاد همکاری‌های اقتصادی میان اسرائیل و چین

۱- همکاری‌های انرژی محور

اسرائیل طی سال‌های اخیر موفق به کشف ذخایر عمده گاز طبیعی در سواحل خود شده است. میدان‌های گازی تمار و لویاتان به‌عنوان دو منبع مهم گاز در این کشور شناخته می‌شوند که می‌تواند به چین انتقال

یابد. طبق اطلاعات استخراج شده، اسرائیل به دنبال تبدیل شدن به مرکز انرژی شمال شرق مدیترانه است (Schwartz, 2020). چین به‌عنوان دومین اقتصاد بزرگ جهان و بزرگ‌ترین مصرف‌کننده انرژی، همواره به دنبال تنوع‌بخشی به منابع انرژی خود است. این کشور برنامه‌های گسترده‌ای برای استفاده از گاز طبیعی به جای زغال‌سنگ دارد تا آلودگی هوا را کاهش دهد (IEA, 2021). بر اساس گزارش مؤسسه بین‌المللی انرژی، چین در حال برنامه‌ریزی برای افزایش واردات گاز طبیعی است که می‌تواند شامل گاز اسرائیل باشد (IEA, 2021). در سال‌های اخیر، اسرائیل و چین همکاری‌های دو جانبه‌ای در زمینه انرژی داشته‌اند. بر اساس توافق‌نامه‌هایی که در سطح‌های مختلف منعقد شده، چین از فناوری‌های اسرائیلی در زمینه انرژی‌های تجدیدپذیر و استخراج گاز طبیعی بهره برده است (Shabtay, 2022). علی‌رغم فرصت‌های موجود، چالش‌هایی نیز در این روابط وجود دارد. نداشتن زیرساخت‌های کافی برای انتقال گاز به چین، هزینه‌های بالای حمل و نقل و تنش‌های سیاسی در منطقه، می‌تواند بر روابط انرژی تأثیر بگذارد (Elkin, 2021). همچنین وجود رقابتی دیگر در بازار جهانی گاز طبیعی می‌تواند به موقعیت اسرائیل در این حوزه لطمه بزند (Friedman, 2021). روابط انرژی بین چین و اسرائیل با پتانسیل‌های زیادی برای همکاری در زمینه‌های مختلف روبه‌رو است. اسرائیل به‌عنوان یک مرکز جدید انرژی در منطقه و چین به‌عنوان یک بازار بزرگ، می‌توانند همکاری‌های مثمر ثمری داشته باشند. با این حال، برای تحقق این پتانسیل‌ها نیاز به مدیریت چالش‌ها و موانع موجود است.

۲- روند رو به گسترش حضور و سرمایه‌گذاری اسرائیلی‌ها در چین

چین به‌عنوان دومین اقتصاد بزرگ جهان و یک بازار مصرفی وسیع، جذابیت زیادی برای سرمایه‌گذاران اسرائیلی دارد. رشد سریع طبقه متوسط در چین و افزایش تقاضا برای فناوری‌های پیشرفته، فرصت‌های زیادی را برای شرکت‌های اسرائیلی فراهم کرده است. اسرائیل به‌عنوان ساختاری سیاسی مبتنی بر امر اقتصاد دیجیتال و فعال در استارت‌آپ‌ها شناخته می‌شود، از این رو بسیاری از شرکت‌های اسرائیلی در زمینه‌های فناوری اطلاعات، بیوتکنولوژی و کشاورزی مدرن، در راستای ساخت برند ملی این ساختار سیاسی کوشش کرده‌اند؛ از سوی دیگر چین نیز به‌عنوان یک کشور در حال توسعه، به دنبال بهره‌برداری از این فناوری‌ها و نوآوری‌ها می‌باشد. یکی از نمونه‌های بارز همکاری‌ها، سرمایه‌گذاری شرکت‌های اسرائیلی در پروژه‌های زیرساختی چین است. به‌عنوان مثال در سال‌های اخیر، اسرائیل در پروژه‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات چین مشارکت کرده است؛ علاوه بر این، همکاری در بخش کشاورزی نیز بسیار گسترش یافته است. فناوری‌های رژیم اسرائیل مانند آبیاری قطره‌ای برای بهبود تولید و

بهره‌وری محصولات در چین به کار گرفته شده است. حضور و سرمایه‌گذاری اسرائیلی‌ها در چین یک روند در حال رشد است که تحت تأثیر عوامل اقتصادی و تکنولوژیکی قرار دارد. این همکاری‌ها با توجه به فرصت‌های گسترده‌ای که چین ارائه می‌دهد، می‌تواند به تقویت روابط دو جانبه و توسعه اقتصادی هر دو کشور کمک کند.

۳- روابط دفاعی اسرائیل و چین

در شرایط کنونی عرصه بین‌الملل، روابط دفاعی بین اسرائیل و چین موضوعی بسیار حساس و پیچیده است. هر چند اسرائیل و چین روابط تجاری و اقتصادی مثبتی دارند، اما روابط دفاعی بین این دو ساختار سیاسی به دلایلی از جمله نزدیکی اسرائیل به ایالات متحده، توازن نظامی در خاورمیانه و برخی اختلافات سیاسی، به چالش کشیده شده است؛ به طوری که برخی از متخصصان و تحلیلگران بر این باور هستند که این روابط دفاعی ممکن است توسعه یافته و توسعه یابند، اما احتمالی که این صورت گیرد، کمتر است. بر اساس گزارشات و متن پژوهی، اسرائیل به دلیل تنش‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، به دلیل وجود روابط نزدیک با ایالات متحده، تمایلی به ارتباطات دفاعی یا نظامی با چین ندارد؛ از سوی دیگر، چین نیز به دلیل تلاش برای گسترش تاثیر و نفوذ خود بین‌المللی، ممکن است به دنبال توسعه روابط دفاعی با اسرائیل باشد. با این حال، تحلیلگران تا حد زیادی باور دارند که اینگونه ارتباطات برخی از منافع امنیتی و راهبردی اسرائیل را تهدید می‌کند و احتمالاً در برخی مواقع با واکنش‌های منفی از سوی ایالات متحده مواجه خواهد شد. در نهایت باید مطرح کرد که اسرائیل به‌عنوان یکی از ساختارهای پیشتاز در زمینه تکنولوژی‌های نوین نظیر هوش مصنوعی، سایبری و نانو تکنولوژی، به یک همکار ایدئال برای چین تبدیل شده است. همچنین، چین به‌عنوان یک بازار بزرگ برای صادرات اسرائیل محسوب می‌شود و این امر باعث تقویت روابط دو جانبه میان دو کشور در زمینه دفاعی شده است؛ شایان ذکر است که اسرائیل به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین صادرکنندگان تسلیحات در جهان به چین شناخته می‌شود؛ چین در سال‌های گذشته به خرید تسلیحات و فناوری‌های نظامی از اسرائیل ادامه داده است. قابل ذکر است که این روند با دیدگاه‌های گسترده‌تری از جمله تحریم‌های بین‌المللی و محدودیت‌های سیاسی مواجه بوده است.

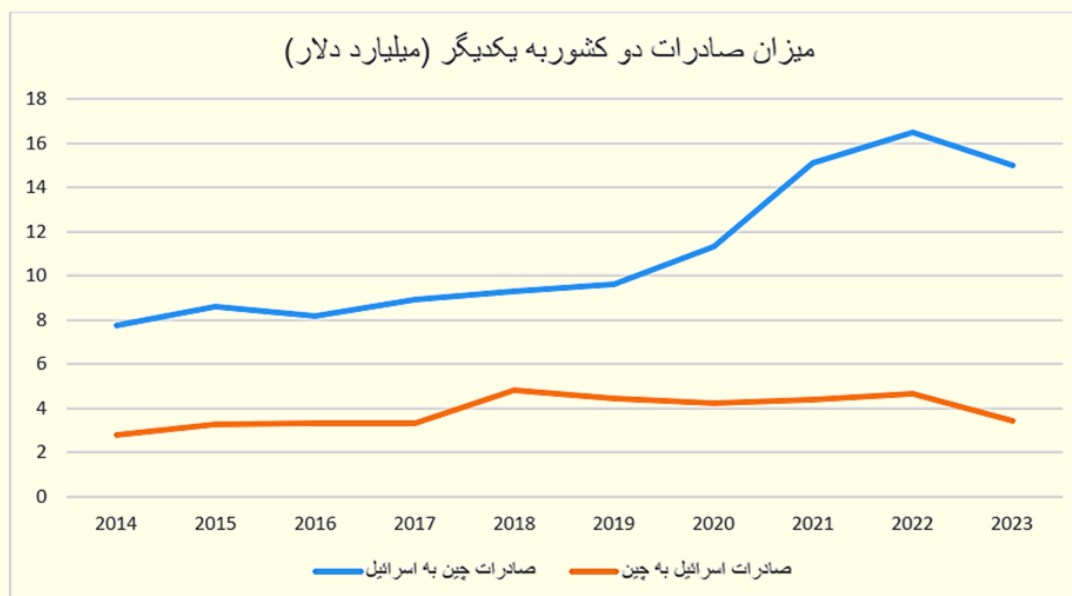
روابط اسرائیل و چین در پرتو آمار

جدول شماره ۱: میزان صادرات دو جانبه

سال	میزان صادرات اسرائیل به چین (میلیارد دلار)	میزان صادرات چین به اسرائیل (میلیارد دلار)
۲۰۱۴	۷.۷۴	۲.۷۹
۲۰۱۵	۸.۶۲	۳.۲۵
۲۰۱۶	۸.۱۷	۳.۳۳
۲۰۱۷	۸.۹۲	۳.۳۱
۲۰۱۸	۹.۲۷	۴.۷۹
۲۰۱۹	۹.۶۱	۴.۴۲
۲۰۲۰	۱۱.۳	۴.۲۴
۲۰۲۱	۱۵.۱	۴.۴
۲۰۲۲	۱۶.۵	۴.۶۳
۲۰۲۳	۱۵	۳.۴۴

(www.OEC.com)

نمودار شماره ۱: میزان صادرات دو ساختار سیاسی به یکدیگر



(نگارندگان)

دیاسپورا؛ عاملی تحکیم‌بخش در روابط دو جانبه اسرائیل و چین

دیاسپورای یهودی در چین تاریخچه‌ای طولانی دارد و به دوره‌های مختلف تاریخچه چین بر می‌گردد. این جامعه با توجه به ویژگی‌های فرهنگی و اقتصادی خود، به تسهیل همکاری‌ها میان دو ساختار کمک

کرده است (Sang, 2019). به عنوان مثال، یهودیان چینی در تجارت، فناوری و صنعت پیشرو بوده و در جلب سرمایه‌گذاری‌های چین در اسرائیل نقش مؤثری ایفا کرده‌اند (Reuven, 2020). دیاسپورای یهودی در چین به عنوان یک پل ارتباطی میان دو ساختار عمل می‌کند. فعالیت‌های تجاری و فرهنگی اعضای این دیاسپورا باعث افزایش آگاهی فرهنگی و اقتصادی در میان دو ساختار شده است. روابط تجاری بین اسرائیل و چین در زمینه‌های مختلفی نظیر فناوری‌های نوین، کشاورزی و پزشکی توسعه یافته است (Shen, 2021). این روابط به نوبه خود باعث ایجاد ائتلاف‌های استراتژیک و تقویت دیپلماسی عمومی میان این دو کشور بوده است. مشارکت فعال دیاسپورای یهودی در چین به تقویت موضع سیاسی اسرائیل در آسیا نیز انجامیده است. از آنجایی که چین به عنوان یک قدرت جهانی در حال ظهور در عرصه بین‌المللی شناخته می‌شود، روابط نزدیک با اسرائیل می‌تواند به تقویت موقعیت این کشور در عرصه جهانی کمک کند (Brophy, 2022). همچنین، همکاری‌های امنیتی و نظامی نیز تحت تأثیر این دیاسپورا قرار گرفته و به تقویت روابط دو جانبه یاری رسانده است. در نهایت، دیاسپورای یهودی به عنوان یک عامل تحکیم‌بخش در روابط دو جانبه اسرائیل و چین به وضوح قابل مشاهده است. از طریق تقویت روابط اقتصادی، فرهنگی و سیاسی، این دیاسپورا می‌تواند به عنوان یک بستر مناسب برای توسعه همکاری‌های آینده عمل کند. در دنیای امروز که روابط بین‌الملل به شدت تحت تأثیر عوامل غیر دولتی قرار دارد، شناخت و بهره‌برداری از این دیاسپورا می‌تواند به عنوان یک استراتژی کارآمد در دیپلماسی بین‌الملل محسوب شود.

نتیجه

تحلیل دیپلماسی اقتصادی اسرائیل در چین از سال ۲۰۱۴ تا ۲۰۲۳ نشان‌دهنده یک روند پیچیده و چند جانبه است که تحت تأثیر عوامل داخلی و خارجی قرار دارد. در این دوره، اسرائیل با بهره‌برداری از یک راهبرد فعال در برابر چین، توانسته است دستاوردهای قابل توجهی را در حوزه‌های تجاری، تکنولوژیکی و سرمایه‌گذاری به دست آورد. از جنبه اقتصادی، رشد روابط تجاری میان اسرائیل و چین از طریق توافق‌نامه‌های تجاری و همچنین پروژه‌های مشترک در زمینه فناوری و نوآوری مشهود است. اسرائیل به عنوان یک مرکز فناوری و نوآوری شناخته شده و چین همچنین به دنبال تقویت زیرساخت‌های فناوری خود می‌باشد. این هم‌راستایی منافع، روابط میان دو ساختار سیاسی را تقویت کرده و به تبادل فناوری‌های پیشرفته کمک کرده است. توجه به مسائل امنیتی و سیاست‌های ژئوپلیتیک نیز در شکل‌گیری دیپلماسی اقتصادی اسرائیل در چین حائز اهمیت است. چین به عنوان یک قدرت

جهانی نوظهور و اسرائیل به‌عنوان یک ساختار سیاسی درگیر در مسائل امنیتی در خاورمیانه، هر دو در برابر چالش‌هایی قرار دارند که نیازمند همکاری‌های مؤثر است. فرایند دیپلماسی اقتصادی اسرائیل در چین بر اساس نیاز به سرمایه‌گذاری‌های کلان در زمینه‌های زیرساخت، انرژی و تکنولوژی می‌باشد که می‌تواند به تقویت موقعیت اسرائیل در صحنه بین‌المللی کمک؛ بر این، اسرائیل باید نسبت به حساسیت‌های سیاسی و فرهنگی چین و همچنین رقابت‌های سیاسی با ایالات متحده، به‌ویژه در زمینه حقوق بشر و مسئله تایوان، آگاه باشد. در این راستا، دیپلماسی اسرائیل می‌تواند با تکیه بر نقاط قوت خود در زمینه‌های فناوری و نوآوری، به مدیریت این چالش‌ها پرداخته و فرصتی برای رشد و توسعه بیشتر فراهم آورد. در مجموع، دیپلماسی اقتصادی اسرائیل در چین، نه تنها به تقویت مبادلات اقتصادی میان دو کشور کمک کرده، بلکه به‌عنوان یک مدل برای دیگر کشورها نیز می‌تواند مورد توجه قرار گیرد. این روابط نشان‌دهنده ظرفیت‌های بالقوه برای همکاری‌های آینده در زمینه‌های مختلف و پلی برای تقویت روابط میان کشورها در عرصه جهانی است.

فهرست منابع

منابع فارسی

- ۱- احمدی، وحیده (۱۳۹۶). اسرائیل و کشورهای پیرامونی؛ نفوذ امنیتی با پوشش اقتصادی، فصلنامه مطالعات راهبردی، ۲۰(۲)، ۱۱۳-۱۳۵.
- ۲- پوررمضان، پرهام (۱۴۰۱). تحلیل تأثیرات توسعه کریدورهای ترانزیتی بر ارتقاء جایگاه دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران (مطالعه موردی: کریدور جنوب به شمال)، مطالعات اقتصاد سیاسی بین‌الملل، ۵(۱)، ۶۸۷-۶۵۹.
- ۳- چگنی‌زاده، غلامعلی، و شکوهی، سعید (۱۴۰۲). تحلیل برداشت‌های چینی از نیات و سیاست‌های آمریکا، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، ۱۲(۴۵)، ۲۸۴-۲۴۱.
- ۴- دانش، افسانه، و سینایی، وحید (۱۴۰۰). اقتدارگرایی یا دموکراسی؛ ساختار دولت و توسعه اقتصادی در چین و هند، فصلنامه پژوهشنامه ایرانی سیاست بین‌الملل، ۹(۲)، ۹۷-۱۲۶.
- ۵- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال؛ سلیمی، حسین، و منادی‌زاده، محمدحسین (۱۳۹۸). روابط هند و آمریکا از منظر وابستگی متقابل، پژوهش‌نامه ایرانی سیاست بین‌الملل، ۷(۲)، ۱۰۴-۶۷.
- ۶- رستمی، فرزاد، و کهریزی، ندا (۱۴۰۱). پیامدهای امنیتی مناسبات چین و اسرائیل برای آمریکا، فصلنامه پژوهشنامه ایرانی سیاست بین‌الملل، ۱۱(۲۱)، ۱۹۳-۱۶۹.
- ۷- زیبایی، مهدی (۱۳۹۹). اقتصاد سیاسی بین‌الملل خاورمیانه در پرتو بیماری مسری کووید-۱۹، دولت پژوهی، ۶(۲۲)، ۳۵-۶۲.

- ۸- شریعتی نیا، محسن، و میرعمادی، طاهره (۱۳۹۴). تعاملات نظامی رژیم صهیونیستی با روسیه، هند و چین، فصلنامه روابط خارجی، ۷(۲)، ۱۳۴-۱۰۱.
- ۹- شیردل، پروین (۱۴۰۲). نقش و وزن پسا صهیونیسم در جامعه اسرائیل امروز، فصلنامه مطالعات منطقه‌ای؛ اسرائیل‌شناسی-آمریکاشناسی، ۲۴(۲)، ۱-۲۵.
- ۱۰- عرشیا، لیلا، و بزرگمهری، مجید (۱۴۰۲). روابط چین و اسرائیل در سه دهه اخیر (۱۹۹۰-۲۰۲۰) حوزه‌های همگرایی و واگرایی، فصلنامه سیاست خارجی، ۳۷(۳)، ۱۱۶-۸۹.
- ۱۱- قربانی، وحید (۱۴۰۰). استراتژی امنیت انرژی معاصر چین در غرب آسیا، فصلنامه روابط خارجی، ۱۳(۳)، ۶۵۸-۶۲۷.
- ۱۲- قوام، سیدعبدالعلی، و اعلائی، مهدی (۱۳۹۰). ژئوپلیتیک هسته‌ای ایران در چارچوب نظریه وابستگی متقابل پیچیده، رهیافت‌های سیاسی بین‌الملل، ۶(۲۲)، ۳۸-۹.
- ۱۳- محمدنیا، مهدی، و سیفی، عبدالمجید (۱۴۰۱). وابستگی متقابل پیچیده: چارچوبی برای تحلیل روابط هند و ایالات متحده، سیاست خارجی، ۳۶(۳)، ۲۲۹-۲۰۳.
- ۱۴- موسوی، سید احمد، و سجادی، مرضیه (۱۴۰۳). تحلیل رفتار انتخاباتی رأی‌دهندگان در رژیم صهیونیستی، فصلنامه مطالعات منطقه‌ای؛ اسرائیل‌شناسی-آمریکاشناسی، ۲۵(۱)، ۱-۲۵.

منابع غیر فارسی

- 1- Bajpae, C. (2021). China's Belt and Road Initiative: A Global Strategy for Economic Leadership. Asia Policy.
- 2- Barbosa Martinelli, C. (2016) O Jogo Tridimensional: o Hard Power, o Soft Power e a Interdependência Complexa, segundo Joseph Nye. Conjuntura Global, 5(1). Doi:10.5380/cg.v5i1.47424
- 3- Ben-Shahar, O. (2018). Economic Development in Israel: Strategy and Challenge. Journal of Economic Policy, 34(2), 195-210.
- 4- Blanton, R. G. (2008) "A Multidimensional Assessment of Interdependence" Southeastern Political Review, 28(4), 759-774. <https://doi.org/10.1111/j.1747-1346.2000.tb00799.x>
- 5- Brophy, J. (2022). The Geopolitical Implications of the Israel-China Relationship. Global Affairs, 8(1), 45-61
- 6- Cohen, E. (2019). International Relations and Economic Connections: The Case of Israel. Journal of International Political Economy, 15(4), 367-390.
- 7- Elkin, E. (2021). "Energy Partnerships: The Israeli Experience." Middle Eastern Studies Journal.
- 8- Friedman, H. (2021). "Israel's Gas Fields: Opportunities and Challenges." Energy Policy Review.
- 9- IEA (International Energy Agency). (2021). "Global Gas Report 2021." Retrieved from [IEA website](#).
- 10- Kamynin, V. D. & N. V. Kozykina (2020) Interdisciplinarity - the Basis for the Study and Teaching of International Relations, Atlantis Press. <https://doi.org/10.2991/assehr.k.200723.042>
- 11- Levin, B. (2020). Israel's Start-Up Economy: The Race for Innovation. Globalization and Economic Development, 27(3), 113-132

- 12- Ressler, D. (2020). Israel and China: Economic and Technological Cooperation. *Journal of Middle Eastern Studies*.
 - 13- Reuven, J. (2020). Israel and China: A Growing Economic Partnership. *Journal of Asian Studies*, 79(2), 215-230.
 - 14- Saban, R. (2021). Economic Inequality in Israel: Causes and Consequences. *Middle East Journal of Business*, 16(1), 42-55.
 - 15- Sang, Q. (2019). *Chinese Jews: A Historical Overview*. New York: Academic Press.
 - 16- Schwartz, A. (2020). "Israel's Emerging Energy Market." *Jerusalem Post*.
 - 17- Shabtay, M. (2022). "China-Israel Energy Cooperation: Opportunities and Risks." *Asian Energy Studies Journal*.
 - 18- Shambaugh, D. (2013). *China Goes Global: The Partial Power*. Oxford University Press.
 - 19- Shen, Y. (2021). Cultural Interactions between Israel and China in the 21st Century. *Journal of International Relations*, 15(4), 200-214
 - 20- Swaine, M. D. (2020). *Chinese Military Diplomacy: A New Era*. The National Bureau of Asian Research.
 - 21- Zacco, C. (2019). China-Israel Relations: Challenges and Opportunities. *Asian Journal of Middle Eastern Studies*.
 - 22- Zheng, Y. (2019). *Confucianism and Chinese Foreign Policy: A Historical Perspective*. The China Quarterly.
- ٢٣- بسعود، حلیمه (٢٠٢٢). الدبلوماسية الاقتصادية: الأبعاد المفاهيمية و التطبيقية، جامعة الجلفة، ١٥(١)، ٦٦٠-٦٤٧.